

جریان‌شناسی فرقه کلامی ماتریدیه در جهان اسلام با تمرکز به خراسان و ماوراءالنهر

عبدالؤمن امینی^۱

چکیده

فرقه کلامی ماتریدیه یکی از جریان‌های فکری مهم در جهان اهل سنت است و با تبحری که ابومنصور ماتریدی در علم کلام داشته، توسط او پایه‌گذاری شده است. ماتریدی بر اثر وسعت دانش و تبحر در رشته‌های مختلف علوم اسلامی، همچون دانش کلام، آثار علمی مهمی نگاشته و با القابی همچون «امام اهل السنه» توصیف شده است. جریان‌شناسی مکتب ماتریدیه در جهان اسلام با تمرکز به خراسان و ماوراءالنهر، مسئله اصلی این پژوهش بوده و نوشتار حاضر با روش توصیفی و تحلیلی، با استفاده از منابع معتبر علمی و با هدف جریان‌شناسی مکتب ماتریدیه سامان یافته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ماتریدی در تفسیر مباحث کلامی، دارای مبانی خاصی بوده و اندیشه وی، در بسیاری از آموزه‌های کلامی در تقابل با رویکرد اشعری قرار دارد. این جریان فکری پس از شکل‌گیری، دوره‌های مختلفی را سپری نموده است. امروزه پیروان مکتب ماتریدیه را حنفیان تشکیل داده و در نواحی مختلف جهان اسلام همچون مناطق شرقی جهان اسلام، خاورمیانه، آفریقا و کشورهای منطقه بالکان با محوریت ترکیه حضور دارند و افزون بر التزام به مبانی فکری ماتریدی، از گرایش‌های صوفیانه، حدیث‌گرایی و ضدسلفی برخوردارند.

واژگان کلیدی: جریان‌شناسی، ماتریدی، مکتب کلامی، ماتریدیه، حنفیان.

۱. دانش‌آموخته دکترای مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی و سطح چهار فقه و اصول و پژوهشگر

همکار پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی‌العالمیه؛ Abdolmomenamini8@gmail.com

مقدمه

جریان‌شناسی از جمله مباحث مهم در شناخت نظام فکری و نحوه شکل‌گیری و معرفی شخصیت‌های علمی در حوزه مباحث تاریخ فرق و مکاتب کلامی شمرده می‌شود. مکتب کلامی ماتریدیه، یکی از جریان‌های مهم کلامی اهل سنت حنفی بوده و با توجه به برخورد‌های خشونت‌آمیز فرقه‌های اسلامی در سده‌های دوم و سوم هجری که پیامدهای جبران‌ناپذیری را بر جامعه اسلامی تحمیل نموده بود، دسته‌ای از اندیشمندان جهان اسلام را که از افکار معتدل کلامی برخوردار بودند، بر آن داشت که در برابر جریان‌های افراطی احساس وظیفه نموده، در راستای ساختارمندسازی نظام فکری عقاید جهان اهل سنت، دست به نهضت اصلاح طلبانه زده و با اتخاذ راه معتدل، به اختلافات فکری موجود در میان مسلمانان پایان دهند. براین اساس، در اوایل سده چهارم، سه شخصیت علمی، یعنی ابوالحسن اشعری (م ۳۲۴ق)، ابوجعفر طحاوی (۳۲۱ق) و ابومنصور ماتریدی (م ۳۳۳ق)، با انگیزه اصلاح باورهای کلامی اهل سنت، در ماوراءالنهر و شرق جهان اسلام، ظهور نمودند. در این میان، ماتریدی و طحاوی، به‌عنوان دو شارح اندیشه‌های ابوحنیفه، اقدام به تبیین منظومه فکری وی نموده‌اند؛ با این تفاوت که طحاوی تنها به‌صورت یک شارح عمل نموده است، ولی ماتریدی افزون بر شرح و ترویج تفکرات کلامی ابوحنیفه در بین مقلدان وی، آرای کلامی پیشوای خویش را به‌صورت یک مکتب کلامی نظام‌مند تبدیل نمود که بعدها به نام شخص ماتریدی، با عنوان «مکتب کلامی ماتریدیه» شهرت یافت.

ابومنصور ماتریدی نزد عالمان ماتریدی ماوراءالنهر، مرجع بلامنازع در مباحث کلامی بوده و امروزه نیز در مراکز علمی حنفیان از موقعیت والایی علمی برخوردار است؛ اما اشعری که در راستای اصلاح نظام اعتقادی اهل سنت نیز به اقدامات علمی دست زده بود، به باور فرقه‌شناسان اسلامی، راه وسط در میان اهل حدیث و معتزله را برگزیده است، ولی در ادامه این مسیر فکری، به سوی اندیشه‌های اهل حدیث متمایل شده است (ابوزهره، ۱۳۸۴: ص ۱۲۰). اما ابومنصور ماتریدی، روش وسط میان راه

اشعری و معتزله را اتخاذ نموده و در تبیین مباحث کلامی معتدل بوده و به لحاظ روش‌شناسی و استفاده از عقل و نقل در تبیین مباحث کلامی، با امامیه شباهت بسیار دارد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۱: ص ۲۲۸-۲۳۸). آنچه که به عنوان سؤال اصلی پژوهش مطرح می‌شود این است که جریان‌شناسی مکتب کلامی ماتریدیه در جهان اسلام با تمرکز به خراسان و ماوراءالنهر چگونه قابل تبیین است؟ براین اساس، نگارنده در پژوهش حاضر بر آن شده است که جریان فکری ماتریدیه را در جهان اسلام با تمرکز به خراسان و ماوراءالنهر، در قالب یک تحقیق علمی مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه بحث

با تتبع در پیشینه این موضوع، نگارنده به تألیفاتی در این خصوص دست یافته است که به قرار زیر معرفی می‌شوند:

۱. رساله دکترای ایوب علی بنگلادشی با عنوان عقیده الاسلام و الامام الماتریدی؛ این تحقیق، به صورت نسخه خطی بوده و در دسترس پژوهشگران بوده و در برخی از کتابخانه‌های مصر و عربستان سعودی نگهداری می‌شود.

۲. تحقیقات دکتر فتح الله خلیف در زمینه ماتریدی‌شناسی در خور ستایش است که برای نمونه می‌توان به مقدمه وی بر کتاب التوحید ماتریدی اشاره کرد.

۳. تحقیق و مقدمه ابراهیم عوضین و سید عوضین که بر تفسیر ماتریدی نگاشته‌اند، یکی دیگر از آثار علمی در حوزه ماتریدی‌شناسی شمرده می‌شود. همچنین مطالعات علمی عبدالفتاح المغربي در حوزه ماتریدی‌شناسی در خور توجه است. وی در کتاب امام اهل السنة و الجماعة ابومنصور الماتریدی و آرائه الکلامیه، اندیشه‌های کلامی ماتریدی را به بحث گرفته است.

۴. در سده‌های اخیر نیز در مراکز تحقیقاتی سلفیان، جریان ماتریدی‌شناسی آغاز گردیده و دو اثر علمی الماتریدیه و موقفهم من توحید الاسماء والصفات، سامان یافته توسط شمس سلفی و الماتریدیه دراسة و تقویماً نگاشته احمدی الحربی، از این حوزه بیرون آمده است. در این اواخر برخی از عالمان مصری به معرفی ابعاد شخصیت

علمی ابومنصور ماتریدی پرداخته و رساله دکتری احمد سعد الدمنه‌وری با عنوان «الامام الماتریدی و منهج اهل السنة فی تفسیر القرآن» در این زمینه نگاشته شده است. دمنه‌وری دو اثر علمی دیگر را نیز با عنوان نظریه‌المعرفة عند اهل السنة و الجماعة و سد الثغور بسيرة علم الهدی ابی منصور الماتریدی در زمینه شناسایی مکتب کلامی ماتریدی سامان داده است.

آثار یادشده هریک بخشی از منظومه فکری ابومنصور ماتریدی و مکتب کلامی وی را به بحث گرفته و قابل ستایش است؛ اما نوشتار حاضر، مکتب ماتریدی را با رویکرد جریان‌شناسی بررسی کرده است که نکته تمایز این پژوهش با آثار یادشده شمرده می‌شود.

مفهوم‌شناسی موضوع

در ابتدای بحث لازم است که به بیان برخی از واژگان محوری پژوهش بپردازیم.

الف) جریان‌شناسی

واژه «جریان» در لغت به معنای روان بودن، جاری شدن آمده و به وقایع روزمره اطلاق می‌شود (عمید، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۸۱۱). معادل لفظ «جریان» در لغت عربی «التيارات الفكرية» (خطیب دمشق، بی تا: ج ۱، ص ۱۷۱) است که به مفهوم جریان‌های فکری به کار رفته است. لفظ جریان، همراه با واژه «شناسی» ترکیب یافته و امروزه در قالب «جریان‌شناسی» در علوم میان رشته‌ای مطرح است. این واژه در اصطلاح دانش کلام، به فرقه‌ای از مذاهب کلامی اطلاق می‌شود که علاوه بر داشتن نظام فکری منسجم و نظام‌مند، دارای تشکل و گروه اجتماعی معینی است که چگونگی شکل‌گیری، سیر تطورتاریخی و نوع رفتار ویژه آن را نشان داده و به معرفی پایه‌گذار و شخصیت‌های علمی تأثیرگذار در آن می‌پردازد (خسروپناه، ۱۳۸۹: ص ۹). جریان‌های موجود در جامعه، حداقل به چهار دسته فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قابل تقسیم بوده و به صورت معمول، از سه رکن و مقوم، یعنی اندیشه مشخص و رفتار معین مرتبط با آن، دارا بودن

تشکل و جمعیت خاص اجتماعی و رفتار همگون اعتقادی و فرهنگی در عرصه جامعه برخوردارند (مهدی‌پور، ۱۳۹۳: ص ۱۰). جریان‌شناسی فکری واقعه تاریخی است که در بستر زمان و مکان استمرار و گسترش می‌یابد، و از میان جریان‌های یادشده در این پژوهش، جریان فکری مورد نظر است که در قالب فرقه کلامی ماتریدیه، در جهان اسلام شناخته می‌شود، و ابومنصور ماتریدی آن را پایه‌گذاری نموده است. این نظام فکری توسط شاگردان برجسته ماتریدی گسترش یافته و به دوره اقتدار رسیده است. در عصر حاضر، قریب به اتفاق حنفیان اهل سنت، از این جریان فکری پیروی می‌کنند. بدین ترتیب، مراد از جریان‌شناسی فکری فرقه کلامی ماتریدیه، جمعیت عظیمی از حنفیان ماتریدی است که علاوه بر داشتن مبانی فکری نظام‌مند، دارای تشکل معین بوده که در جهت‌گیری‌ها و حرکت اجتماعی مواضع پایدار و مشابه هم دارند.

ب) کلام

واژه کلام در لغت، از ریشه کلم مشتق بوده و به معنای گفت‌وگوی تأثیرگذار و سخن گفتن است و به الفاظی که دلالت بر معانی مخصوص در نفس متکلم نماید، کلام گفته می‌شود (شرتونی، ۱۴۱۶: ج ۴، ص ۵۸۲). لفظ کلام در اصطلاح متکلمان اسلامی، به علمی که عهده‌دار بیان عقاید دینی است، گفته می‌شود (قاری، ۱۴۲۸: ص ۴۷).

ج) ماتریدیه

لفظ «ماترید» و یا «ماتریت»، هردو به ضم تا بوده و نام منطقه‌ای در نزدیکی سمرقند است که ابومنصور محمد ماتریدی در آنجا به دنیا آمده و به دلیل انتساب به زادگاهش، ماتریدی نامیده شده است (الکنتهی، بی تا: ص ۱۹۵). امروزه پیروان مذهب حنفی که در فروع و تفکرات تابع ابوحنیفه بوده و از نظر اعتقادی تابع تفکرات کلامی ابومنصور ماتریدی‌اند، «ماتریدیه» نامیده می‌شوند (الدمنه‌وری، ۲۰۱۸: ص ۱۲).

شخصیت‌شناسی ماتریدی

ابومنصور محمد بن محمد بن محمود ماتریدی سمرقندی (م ۳۳۳ق) در قریه

ماترید و یا ماتریت که یکی از روستاهای سمرقند در ماوراء النهر است، دیده به جهان گشود. عده‌ای از شرح‌حال‌نویسان، نسب وی را به ابویوب انصاری، صحابی رسول خدا ﷺ نسبت داده و حضور عرب‌های اهل مدینه ساکن در سمرقند را دلیل بر این مطلب می‌دانند (بیاضی، ۲۰۰۷: ص ۲۳). ماتریدی در زادگاهش به فراگیری علوم اسلامی و تدوین کتاب‌های علمی پرداخته و به‌عنوان متکلم، فقیه و مفسر اهل سنت حنفی مطرح گردید. وی سرانجام مکتبی کلامی را پایه‌گذاری نمود که بعدها به نام وی شهرت یافته و مورد پذیرش پیروان ابوحنیفه قرار گرفته و به امامت اهل سنت حنفی در حوزه کلام اسلامی دست یافته است (ویلفرد مادلونگ، ۱۳۷۵: ص ۳۳-۴۴).

پیروان ماتریدی، او را با القابی همچون «امام المتکلمین»، «علم الهدی» و «امام اهل السنة»، توصیف نموده و برای وی، جایگاه والایی در حوزه سلوک معنوی و دین‌شناسی قائل شده و کراماتی به او نسبت داده‌اند (نسفی، ۱۹۹۳: ج ۱، ص ۳۵۸). اصحاب تراجم تاریخ وفات وی را سال (م ۳۳۳ق) ذکر نموده‌اند. فرقه‌شناسان با حدس و گمان، تاریخ تولد او را بین سال‌های (۲۳۸ق - ۲۴۸ق) نوشته‌اند. ایوب علی در این زمینه اظهار داشته است که یکی از استادان ماتریدی، محمد بن مقاتل رازی است و رازی در سال ۲۴۸ق وفات یافته است، و این امر ثابت می‌کند که ولادت ماتریدی، در حدود ۲۳۸ق بوده است (شمس سلفی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۲۳۵). با توجه به تاریخ وفات رازی، ابومنصور ماتریدی دست‌کم ده ساله بوده است (میان محمد شریف، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۳۸۶). سرانجام ماتریدی در سمرقند درگذشت و در یکی از گورستان‌های آن منطقه به نام «جاگردیزه» به خاک سپرده شد.

جایگاه علمی ماتریدی

آثار علمی ابومنصور ماتریدی، بیانگر تبحر او در تمامی رشته‌های علوم اسلامی است. وی در علومی همچون فقه، اصول، تفسیر، کلام، فلسفه و فرق و مذاهب اسلامی، صاحب نظر بوده و کتاب التوحید وی، در علم کلام و «تأویلات اهل

السنة» او در تفسیر و علوم قرآن، دلیل بر این گفته است؛ اما تخصص اصلی ماتریدی در علم کلام بوده است؛ به گونه‌ای که کتاب تفسیر وی، صیغه کلامی دارد. ماتریدی با وسعت اطلاعات که در علم کلام داشت، به جایی رسید که یکی از مهم‌ترین مکاتب کلامی اهل سنت را پایه‌گذاری نمود و طیف وسیعی از متکلمان اهل سنت را با بیش از هزار سال است که متأثر از اندیشه‌های کلامی خود ساخته است. احمد الحربی در زمینه شخصیت علمی ماتریدی اظهار می‌دارد:

«يحتل الماتریدی منزلة كبيرة في تاريخ الفكر الاسلامی حيث انه مؤسس لاحدى المدارس الكلامية التي ذاع وانتشر فكرها في العالم الاسلامی...» (حرابی، ۱۴۱۳: ص ۹۶).

ماتریدی در تاریخ اندیشه اسلامی جایگاه بزرگی دارد؛ زیرا وی پایه‌گذار یکی از مکاتب کلامی است که در جهان اسلام انتشار یافته است.

ابومعین نسفی نیز در مقام تجلیل از مقام علمی ابومنصور، اظهار داشته است که ماتریدی در دریاهای علوم فرورفت و دُرهای آن را استخراج نمود و براهین دین‌پژوهی را اقامه نمود و با فصاحت و وفور دانش و خوش طبعی خود، غرر و مطالع آن را زینت بخشید... و در نشر و ابلاغ آن سعی تمام داشته و آثاری نیکو در دین پدید آورد و بهره‌های آن را از عمر خود برداشت نمود. بدین جهت بود که استادش ابونصر عیاضی در مقام ستایش از ابومنصور می‌گفته است: «و ربك یخلق ما یشاء و یختار» (نسفی، ۱۹۹۰: ج ۱، ص ۳۵۸). خداوند هر که را بخواهد خلق نموده و برمی‌گزیند. بنابراین، ابومنصور ماتریدی، مؤسس مکتب کلامی است که نیمی از جمعیت جهان اهل سنت، پیرو آن است و بسیاری از متکلمان حنفی ماتریدی، به پیروی از اندیشه‌های کلامی وی افتخار می‌ورزند (ابن خلکان، ۱۹۹۴: ج ۳، ص ۲۸۴).

آثار ماتریدی

ابومنصور ماتریدی، اندیشمندی پرکار و دارای ذهنی خلاق بوده است، و در

موضوعات مختلف علوم اسلامی همچون کلام، تفسیر، اصول فقه و فرقه‌شناسی و رد تفکرات دیگر مذاهب اعتقادی، آثار علمی مانند التوحید، تأویلات اهل السُّنَّة، المقالات و شرح الفقه الاکبر را نگاشته است (فتح‌الله خلیف، ۱۴۲۶: ص ۵۷). فرقه‌شناسان، به جز آثار یادشده، تألیفات دیگری مانند رساله فی ما لایجوز علیه الوقف فی القرآن، کتاب مآخذ الشریعة در علم اصول الفقه، کتاب الجدل فی اصول الفقه و کتاب بیان وهم المعتزله را به ابومنصور، نسبت داده‌اند که در گذر زمان از میان رفته و یا از دسترس دانشمندان دور مانده است (میان‌محمد شریف، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۳۶۹).

مبانی کلامی مکتب ماتریدیه

ماتریدی و دیگر متکلمان پیرو وی در تبیین مباحث کلامی، از قواعد عقلی و نقلی خاصی استفاده نموده‌اند که بدان می‌پردازیم

الف) حسن و قبح عقلی

واژه عقل، از ریشه «عقال البعیر» گرفته شده و به معنای جلوگیری بوده (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۹) و به مفهوم تدبیر و ادراک نیز آمده است (مصطفوی، ۱۳۸۶: ج ۸، ص ۱۹۶). این واژه در اصطلاح متکلمان ماتریدی، نفس ناطقه و یا قوه‌ای است که علم به ضروریات، نزد او حاصل شده و انسان را از انجام فعل قبیح نگه می‌دارد (بیاضی، ۱۳۶۸: ص ۶۱) و استدلال‌ات علمی و امور حسی، به وسیله آن شناخته می‌شود. بزدوی حقیقت عقل را جسم لطیف نورانی می‌داند که جایگاه آن سر آدمی بوده و آثار آن به وسیله درک اشیاء در قلب انسان ظاهر می‌شود (بزدوی، ۱۴۲۴: ص ۲۱۲).

بحث حسن و قبح عقلی، از مسائل زیربنایی علم کلام بوده و نقش عمده‌ای در اثبات عدل الهی و دیگر مباحث کلامی دارد. در متون کلامی، آموزه حسن و قبح به معنای نقص و کمال، موافقت و مخالفت با اغراض و مصالح شخصی و نوعی انسان، سازگاری و یا ناسازگاری با طبیعت و هدف وی و به مفهوم استحقاق مدح و ذم فاعل عمل آمده است (تفتازانی، ۱۴۰۹: ج ۴، ص ۲۸۲). از میان چهار معنای یادشده، آنچه که

محور اختلاف در میان متکلمان است، حسن و قبح به معنای استحقاق مدح و ذم است (بیاضی، ۱۳۶۸: ص ۶۰).

ماتریدیان، اصل حسن و قبح عقلی به معنای استحقاق مدح و ذم را پذیرفته‌اند و ابومنصور ماتریدی، یکی از دلایل نیازمندی انسان را در معرفت به اندیشه، تشخیص حسن و قبح ذاتی افعال و مصالح و مفاسد امور دانسته است. این امر به‌خوبی نشان می‌دهد که عقل به درک حسن و قبح اشیاء توانایی دارد (ماتریدی، ۱۴۲۴: ص ۱۰). وی نیازمندی بشر به ارسال پیامبران را با استناد به عقل مستقل به دست آورده و معتقد است که عقل، راستی و عدالت را مدح نموده و ستم و دروغ را تقیح می‌کند؛ بدین جهت، امر و نهی (شرعی) به ضرورت عقلی واجب است؛ چنان‌که ثواب و پاداش به کسانی که تکالیف الهی را انجام داده‌اند و کیفر برای کسانی که به دنبال هوای نفس رفته‌اند، به حکم عقل واجب است (ماتریدی، ۱۴۲۴: ص ۲۴۹).

ب) تأویل و تفویض

یکی دیگر از مبانی بنیادین ماتریدی در بررسی مباحث کلامی، اصل تأویل و تفویض است. واژه تأویل از ماده (أول) بوده و به معنای بازگشت است. ابن‌فارس معتقد است که لفظ «اول» دارای دو اصل است: یکی به معنای ابتدای امر و دیگری به مفهوم انتها و غایت هرچیزی است (ابن فارس، ج ۱، ص ۱۵۸). ابومنصور ماتریدی، لفظ تأویل را این‌گونه تعریف نموده است:

«لفظ تأویل عبارت است از برگرداندن معنای ظاهری لفظی به معنای

دیگری که لفظ به آن معنا استعمال شده است» (ماتریدی، ۱۴۲۴: ج ۱،

ص ۲۷۷).

همچنین دیگر متکلمان ماتریدی نیز، لفظ تأویل را به معنای «صرف اللفظ» از معنای ظاهری تعریف کرده‌اند که با مفهوم غایت منطبق است (حقی، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۴۹). بر پایه این تعریف، تأویل یک اصطلاح کلامی بوده و درحوزه آیات اعتقادی که نیاز به تأویل داشته باشد، به کار گرفته می‌شود.

از آنجاکه ماتریدی و پیروان وی، عقل را مبنای اصلی در تلقی مباحث اعتقادی می‌دانند، ظواهر الفاظی را که با احکام عقل مخالف باشد، حمل بر مجاز نموده و به تأویل می‌برند. متکلمان ماتریدی تأویل را به‌عنوان یک اصل پذیرفته و در مورد آیات متشابه، به دلیل پرهیز از اندیشه تشبیه به کار گرفته‌اند. ماتریدی تصریح دارد که بخشی از خطابات قرآنی متشابه بوده و ظاهر آن مراد نیست و باید براساس آیات محکم و عقل به تأویل برده شود (ماتریدی، ۱۴۲۴: ج ۱، ص ۳۵۵)؛ چنان‌که نسفی و ابن‌همام ماتریدی، با پذیرش قاعده تأویل، آیات قرآن را به محکم و متشابه تقسیم نموده. (نسفی، ۱۴۰۶: ص ۳۹) و معتقدند که آیات متشابه همچون «استوی» (طه: ۵) و «ید» (فتح: ۱۰) را به‌گونه‌ای تأویل نماییم که موافق توحید بوده و با آیات محکم در تعارض قرار نگیرد (ابن‌همام، ۱۳۱۷: ص ۳۳). بدین ترتیب، ماتریدی و دیگران، قاعده تأویل را به‌عنوان یک اصل پذیرفته‌اند، آن دسته از ظواهر قرآنی و مباحث اعتقادی را که با مبانی عقلی سازگاری نداشته باشد، از معنای ظاهری آن بازگردانده و به امری فرامعنایی تأویل برده‌اند و در مواردی نیز قائل به تفویض شده‌اند (حرابی، ۱۴۱۳: ص ۱۶۴).

ج) عدم حجیت اخبار آحاد در عقاید

از دیگر مبانی اعتقادی ماتریدی در اثبات اصول اعتقادی، استدلال به آیات قرآن و اخبار متواتر نبوی است. به نظر آنان آموزه‌های کلامی اساس مسائل و احکام دینی است و لازم و ضروری است که مبتنی بر دلایل قطعی باشد. با توجه به اینکه اخبار آحاد، ظن آور بوده و ظنون در مباحث کلامی افاده یقین نمی‌کند، اعتباری ندارد. (ماتریدی، ۱۴۲۶: ص ۹۸). همچنین پیروان ماتریدی معتقدند که اخبار آحاد در مسائل اعتقادی که اساس آن بر یقین استوار است، حجیت ندارد. ناصری از کلام‌پژوهان ماتریدی به این نظریه تصریح نموده و معتقد است که آموزه‌های کلامی را نمی‌توان مبتنی به اخبار آحاد نمود؛ زیرا خبر واحد، ظنی‌الدلاله بوده و افاده علم و یقین نمی‌کند (سرخی، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۱۲)؛ بدین ترتیب، مطابق مبنای ماتریدیان، اخبار

آحاد ظن آور بوده و تأویل آن براساس داده‌های عقلی مانعی ندارد و به همین دلیل، خبر واحد نزد ماتریدیان در حوزه مباحث اعتقادی، فاقد اعتبار است.

تفاوت رویکرد ماتریدی و اشعری در روش و مباحث کلامی

فرقه‌شناسان اسلامی معتقدند که اندیشه ماتریدی و اشعری در روش و بسیاری از مباحث کلامی متفاوت بوده و بر این تصریح دارند که ماتریدی در طرح مباحث کلامی نسبت به اشعری، عقلی‌تر عمل نموده است (سبحانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۲۳۵). برخی از فرقه‌پژوهان، مسائل اعتقادی مورد اختلاف میان آنان را سیزده مورد شمرده‌اند (مصاحب و دیگران، ۱۳۷۴: ج ۲، مدخل ماتریدیه) و عده‌ای دیگر، تمایزات فکری آن دورا ۲۳ مورد دانسته‌اند (ابوعذبه، ۱۴۱۶: ص ۱). گروهی اختلاف را سی مورد (ابوزهره، ۱۳۹۴: ص ۲۷۸) و جمعی حتی بیش از پنجاه مورد شمرده‌اند (بسام عبدالوهاب الجابی، ۲۰۲۳: ص ۴۶). اما شبلی نعمانی، تفاوت رویکرد ماتریدی با ابوالحسن اشعری را در چند محور شمرده است: ماتریدی معتقد است که حسن و قبح اشیاء عقلی بوده و خداوند، به کسی تکلیف ما لایطاق نمی‌کند، و از نظر عقلی محال است که خداوند ظالم باشد؛ و چنان‌که تمام افعال خداوند مبتنی بر مصالح بوده و انسان در افعالش مختار بوده و قدرت وی بر تحقق افعالش مؤثر است. ماتریدی، تصریح دارد به اینکه ایمان قابل زیادت و نقیصه نیست، و در حال یأس از حیات هم توبه پذیرفته می‌شود. وی شناخت حواس پنج‌گانه را از سنخ علم ندانسته؛ بلکه آن‌ها را ابزار علم شمرده و بر این اذعان دارد که اعاده اعراض ممکن نیست؛ اما دیدگاه اشعری و پیروان مکتب وی، با تمام باورهای یادشده متفاوت بوده و با هم اختلاف نظر دارند (شبلی نعمانی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷۱).

۱- شکل‌گیری و سیر تکامل ماتریدیه

ابومنصور ماتریدی مکتبی در علم کلام پایه‌گذاری نمود که با تلاش شاگردان وی گسترش یافته است که در این قسمت از پژوهش، به بیان دوره شکل‌گیری و سیر تکامل این مکتب می‌پردازیم.

۲. دوره شکل‌گیری

ابومنصور ماتریدی، مکتب اعتقادی ماتریدیه را در آغاز دهه اول (۳۱۰ق) سده چهارم هجری، پایه‌گذاری نموده است (ویلفرد ماد لونگ، ۱۳۷۵: ص ۳۵). ماتریدیه نام علمی مکتب کلامی اهل سنت حنفی است که در میان اندیشمندان مذاهب اسلامی، با این نام شناخته می‌شود (ابن حماد جهنی، بی‌تا: ج ۲، ص ۹۵). این مکتب اعتقادی در میان پیروان مذهب فقهی حنفی، ظهور نموده و پایگاه اصلی این مذهب اعتقادی، عمدتاً در ماوراءالنهر بوده است (صابری، ۱۳۹۲: ج ۲، ۲۹۳). شمس‌الدین سلفی در وجه نام‌گذاری این مذهب فکری اظهار داشته است: احتمال دارد که شاگردان ابومنصور ماتریدی، در زمان حیات پیشوای خویش، «ماتریدیه» را به شخص ماتریدی نسبت داده باشند؛ البته ظن غالب بر این است که این نظام فکری، پس از وفات ابومنصور، به «ماتریدیه» نام‌گذاری شده باشد (اسماعیل بغدادی، ۱۹۵۱: ج ۲، ص ۳۶)؛ زیرا مذهب کلامی که به کسی نسبت داده شود، از مجموع شاگردان و پیروان اندیشه او، شکل می‌گیرد؛ هرچند این احتمال نیز قوی نبوده و قطعی به نظر نمی‌رسد. آنچه یقینی است، اینکه ابومنصور ماتریدی در طول حیات فکری خویش، شاگردانی تربیت نموده و مجموعه اندیشه‌های کلامی را برای آن‌ها تبیین نموده است؛ بدین جهت، حنفیان ساکن در خراسان و ماوراءالنهر، نظام اعتقادی ابومنصور ماتریدی را که با عنوان «ماتریدیه» شکل گرفته است، اختیار نموده‌اند؛ هرچند که به این انتساب در آغاز تصریح نشده است (شمس سلفی، ۱۴۱۸: ج ۱، ص ۲۸۴).

ماتریدی در حوزه بزرگ سمرقند، شاگردان فراوانی همچون حکیم سمرقندی (م ۳۴۲ق) و عبدالکریم بن موسی بزدوی (م ۳۹۰ق) تربیت نموده است (ابن حماد، بی‌تا: ج ۱، ص ۹۶) که آن‌ها با فراگیری اندیشه‌های کلامی وی، مذهب اعتقادی «ماتریدیه» را شکل داده و در استحکام مبانی فکری استاد خویش، کوشیده و به شکل نظام‌نامه اعتقادی ترویج نموده‌اند (ویلفرد ماد لونگ، ۱۳۷۵: ص ۳۵) که در نیمه نخست

سده پنجم هجری، مناطق ماوراءالنهر را فراگرفته و به صورت یک مکتب کلامی به شهرت رسیده است (جلالی، ۱۳۸۶: ص ۵۶-۵۷).

۳. دوره تثبیت مکتب ماتریدیه (۳۳۳ تا ۵۰۰)

پس از بنیان نهادن این مکتب توسط ابومنصور ماتریدی، در این مرحله تاریخی، شاگردان وی، مکتب کلامی ماتریدیه را تثبیت نموده و در راه استقرار آن کوشیدند. در این مقطع زمانی که حدود یک قرن به طول انجامید، ماتریدیه در حوزه سمرقند پذیرفته شد و به صورت یک نظام مهم فکری و پررونق درآمد و به تثبیت رسیده است (محمد ابوزهره، ۱۳۹۴: ص ۲۹۲).

۴. گسترش (۵۰۰ تا ۸۰۰)

در این دوره، حاکمان ترک‌تبار و به‌ویژه سامانیان، غزنویان و ...، از مکتب کلامی ماتریدی حمایت نموده و باعث گسترش آن در شرق و شمال آسیا شدند. مشاهیری از دانشمندان ماتریدی در سراسر بلاد اسلامی حضور یافته و هرکدام به سهم خویش، به تدریس، نشر و تدوین آثار بی‌شماری پرداختند که در این زمینه می‌توان از افرادی چون ابوالیسر محمد بزدوی (م ۴۹۳ق)، ابومعین نسفی (م ۵۰۸ق) صاحب کتاب تبصره الادله فی اصول الدین، نجم الدین عمر نسفی (م ۵۳۷ق) صاحب عقاید النسفی، حافظ الدین عبدالله نسفی مؤلف کتاب «مدارک التنزیل» و ...، نام برد که هر یک به سهم خویش، در گسترش مکتب ماتریدیه، نقش اساسی ایفا نموده‌اند (جلالی، ۱۳۹۸، ص ۷۶).

۵. اقتدار و حاکمیت فکری (۸۰۰-۱۳۰۰ق)

این دوره از سیر تطور مکتب ماتریدیه، با حکمرانی امپراتور عثمانی هم‌زمان بوده است. حکمرانان عثمانی در فروع شریعت پیرو مذهب فقهی ابوحنیفه بوده و در اصول اعتقادی، از اندیشه‌های کلامی ماتریدی تبعیت داشته‌اند. همچنین حمایت همه‌جانبه خویش را از این نظام فکری اعلام نموده و در اقتدار مکتب ماتریدیه، نقش بسزایی ایفا نموده‌اند (احمد فؤاد، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۲): به گونه‌ای که همه امکانات

و اقتدار حکومت عثمانی در اختیار ماتریدیان قرار داشته و تمام قضات، مفتی‌ها، خطیبان و مدیران مدارس دینی، از عالمان ماتریدی - حنفی انتخاب می‌شده‌اند. حکمرانان عثمانی، عالمان ماتریدی را به دیگر بلاد جهان اسلام اعزام داشته و آنان، آثار علمی و نظریات خودشان را آزادانه در میان عموم مردم بیان داشته و به ترویج آن اشتغال داشته‌اند. شمس سلفی این دوره را اوج تکامل ماتریدیان توصیف نموده که در این مقطعی نسبتاً طولانی، اندیشه‌های اعتقادی ماتریدی در شرق و غرب جهان اسلام انتشار یافته است (طاش‌کبری‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹). جریان‌شناسی این مکتب کلامی نشان می‌دهد که دو عامل سیاسی که برخورداری از حمایت سلاطین غزنوی، غوری، سلجوقیان و به‌خصوص سامانیان و در نهایت دولت عثمانی باشد، باعث گسترش این فرقه کلامی در تمام نقاط جهان اسلام شده است (مادلونگ، ۱۳۷۵، ص ۳۸-۳۹) و همچنان که عامل فرهنگی نیز مانند نگارش آثار کلامی، تأسیس مدارس دینی و تربیت نسل جوان مسلمانان توسط متکلمان ماتریدی، در ماوراءالنهر، نقش مهم در گسترش و اقتدار مکتب ماتریدیه، در این نواحی و در دیگر نقاط جهان اسلام داشته است (همان: ص ۴۳).

وضعیت فعلی ماتریدیه و جمعیت ماتریدیان

امروزه اندیشه‌های اعتقادی ماتریدی، در بخش‌های مختلف جهان اسلام گسترش یافته و پیروان مذهب فقهی امام ابوحنیفه، بدان التزام دارند. اندیشمندان نامدار همچون میمون بن محمد نسفی (م ۵۰۸ق)، تفتازانی (م ۷۶۹ق) (طاش‌کبری‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۹)، کمال الدین احمد بن حسن بیاضی (م ۱۰۹۸ق) و ملاعلی قاری (م ۱۶۰۵ق) با نگارش آثار کلامی، به تحکیم و اتقان مبانی اعتقادی ماتریدیه همت گماشته‌اند؛ اما آثار کلامی و شخصیت‌شناسی اندیشمندان ماتریدی در عصر حاضر، نشان می‌دهد که از سده دوازدهم هجری تا به این سو، مکتب ماتریدیه از نظر تحقیقات علمی و تربیت اندیشمندان دچار افول شده است؛ بااین حال، امروزه این نظام فکری، از نظر

تعداد پیرو، از نفوذ و توان جمعیتی بالایی برخوردار است که در نواحی مختلف از کشورهای اسلامی حضور چشمگیری دارند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۱: ص ۲۴۸).

محققانی که مباحث کلامی مطرح در کتاب التوحید ماتریدی را تصحیح نموده و بر آن مقدمه نگاشته‌اند، بر این تصریح دارند که امروزه، بیش از پنجاه درصد از کل جمعیت اهل سنت را ماتریدیان حنفی تشکیل می‌دهند (ماتریدی، ۱۴۲۶: ص ۸۵) و عمر بن إسحق غزنوی (م ۷۷۳ق) نیز پیروان امام ابوحنیفه را که در مباحث اعتقادی از اندیشه‌های ماتریدی پیروی می‌کنند، بیش از پیروان دیگر مذاهب اسلامی شمرده است (عمر بن اسحاق حنفی، ۲۰۰۹: ص ۲۹)؛ لیکن امروزه ماتریدیان، کمتر از نیمی از جمعیت اهل سنت را در جهان اسلام پوشش داده و شماری از آنان از مذهب اشاعره پیروی نموده (ابن عساکر، ۱۴۰۴: ص ۲۴) و در بسیاری از کشورهای اسلامی همچون ترکیه، عراق و مصر حضور دارند که در ادامه بحث، به جریان‌شناسی قلمرو جغرافیایی ماتریدیان، در سه محور اشاره می‌شود:

الف) آمار حضور ماتریدیان در مناطق شرقی جهان اسلام

در موضوع تعداد جمعیت ماتریدیان در مناطق شرقی جهان اسلام، نمی‌توان به‌صورت دقیق، آمار پیروان این نظام اعتقادی را ارائه نمود؛ لیکن گمان بر این است که تعداد مسلمانان ساکن در کشورهای آسیای میانه و روسیه که ماتریدی - حنفی شمرده می‌شوند، بیش از هشتاد میلیون باشد؛ به این ترتیب: کشور ازبکستان ۳۲ میلیون جمعیت دارد و بیش از هشتاد درصد ساکنان این کشور را مسلمانان حنفی - ماتریدی تشکیل می‌دهند که حدود ۲۵ میلیون نفر را دربر می‌گیرد. همچنین کشور تاجیکستان نه میلیون جمعیت دارد و ۸۵ درصد آن، از پیروان مذهب حنفی بوده و ماتریدی شمرده می‌شوند که نزدیک به هشت میلیون جمعیت را شامل می‌شود. از دیگر کشورهای آسیای میانه، ترکمنستان است. در این کشور، بیش از هفت میلیون نفر زندگی می‌کنند و حدود شش میلیون نفر مسلمان حنفی - ماتریدی هستند (مرتضی اشرفی، ۱۳۹۱: ص ۵۱). از جمعیت ۱۶ میلیونی قزاقستان نیز حدود ۱۲ میلیون

نفر را مسلمانان ماتریدی تشکیل می‌دهند. همچنین کشور قرقیزستان، بیش از پنج میلیون نفر جمعیت دارد که حدود ۴۰۷۳۴۰۰۰ هزار آن، تابع مذهب اعتقادی ماتریدیه است. از جمعیت ۱۴۵ میلیونی کشور روسیه نیز حدود ۲۳ میلیون نفر، ماتریدی - حنفی شمرده می‌شوند. بدین ترتیب، مجموعه مسلمانان ماتریدی ساکن در جمهوری‌های آسیای میانه و همراه با روسیه، بیش از هشتاد میلیون نفر بوده که به نظام فکری ابومنصور ماتریدی معتقدند (جلالی، ۱۴۰۰: ص ۱۲۶).

جمعیت کشور افغانستان که از دیگر کشورهای آسیای میانه است، بین ۳۵ تا ۴۰ میلیون نفر برآورد شده است. حدود هفتاد تا هفتاد و چهار درصد از این جمعیت، پیرو فقه حنفی بوده و در مباحث اعتقادی با گرایش صوفیانه و طریقت‌های نقشبندی، چشتیه و قادریه، ماتریدی، شمرده می‌شوند (رضایی، ۱۴۴۳، ج ۲، ص ۳۳۳). همچنین، در میان مسلمانان ساکن در کشورهای پاکستان، هند، بنگلادش و چین، اندیشه ماتریدیه رایج بوده و در مدارس علوم دینی همچون «دارالعلوم دیوبند»، تفکرات ماتریدیه تدریس می‌شود (شمس سلفی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۲۹۶). مسلمانان ساکن در کشور هند حدود ۲۱۳ میلیون نفر بوده و اکثریت آنان را اهل سنت حنفی - ماتریدی تشکیل می‌دهند (بجنوردی و دیگران، ۱۳۷۹: ج ۱۱، ص ۳۰۰). داده‌ها بیانگر آن است که جمعیت کشور چین ۱ میلیارد و ۴۲۵ میلیون نفر بوده و مسلمانان حنفی - ماتریدی ساکن در این کشور، حدود ۶۰ تا ۱۳۸ میلیون نفر تخمین زده شده است که بیشتر آن‌ها در استان‌های سین کیانگ «شین جیانگ»، نینگشیا و چینگ‌ها زندگی می‌کنند (سید جلال امام، ۱۳۹۷: ص ۴۵). امروزه افزون بر مناطق یادشده، ماتریدیان در نواحی جنوب شرق آسیا نیز در کشورهای مانند سنگاپور، سریلانکا، تایلند، اندونزی و مالزی حضور دارند؛ اما از درصد جمعیت آنان، اطلاعات خاصی به دست نیامده است (جلالی، ۱۴۰۰: ص ۱۲۸).

ب) خاورمیانه و منطقه آفریقا

یکی دیگر از کانون‌های حضور ماتریدیان کشورهای خاورمیانه و آفریقای عربی، سرزمین مصر است. اندیشمندان ماتریدی، با نگارش آثار کلامی و تدریس آموزه‌های

اعتقادی ماتریدیه، این مکتب فکری را در مناطق مرکزی و غرب جهان اسلام ترویج داده‌اند (سودونی حنفی، ۱۴۱۳: ص ۱۰۰). حنفیان ساکن در مصر با محوریت «الازهر»، به اندیشه‌های اعتقادی ماتریدی که برگرفته از باورهای ابوحنیفه است، رو آورده و بدان اعتقاد ورزیده‌اند (شمس سلفی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۳۰۰) و عالمان نامداری همچون ابن همام مصری (م ۸۶۱ق) در این سامان با تبحر بر مبنای فکری ماتریدی، ظهور نموده و به تثبیت اندیشه ماتریدی همت گماشته‌اند (سیوطی، ۱۳۸۷: ص ۴۷۴) و ماتریدیان ساکن در این منطقه از جهان اسلام، به لحاظ تعداد جمعیت، پس از اشعریان و مالکیان، در رتبه سوم قرار دارند (شمس سلفی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۳۱۴).

امروزه بخشی از مردم مسلمان کشورهای آفریقایی همچون تونس، لیبی و مراکش، ماتریدی بوده و از نظام فکری ماتریدیه پیروی می‌کنند و هرچند از نظر تعداد جمعیت در رتبه‌های بعدی و پس از مالکیان و شافعیان قرار دارند (ذوالفقار امیرشاهی، ۱۳۷۴: ص ۶)، ولی با توجه به تثبیت جایگاه اندیشه ماتریدی در میان بخشی از مردم مسلمان مصر است که شخصیت‌هایی برجسته‌ای همچون شیخ محمد عبده، شیخ محمد زاهد کوثری و محمد ابوزهره، بر مبنای فکری ماتریدی تربیت یافته و در راستای ترویج اندیشه ماتریدیه، آثار علمی فراوانی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی نگاشته‌اند (جلالی، ۱۴۰۰: ص ۱۲۹). همچنین اندیشه ماتریدی در کشورهای خاورمیانه همچون سوریه، عراق و اردن، حضور فعال دارند. از جمعیت ۹۷ درصدی مسلمان کشور عراق، ۳۷ درصد آن را اهل سنت تشکیل داده و اکثر آنان را حنفی - ماتریدی تشکیل می‌دهند (رضایی، ۱۴۴۳: ج ۲، ص ۷۳). در مناطق جنوب شرق و شمال شرق کشور ایران نیز اقلیت مذهبی ماتریدیان حضور دارند؛ هرچند که از آمار دقیق آنان اطلاعی در دست نیست (جلالی، ۱۴۰۰: ص ۱۳۰).

ج) ترکیه و کشورهای منطقه بالکان

یکی دیگر از مراکز مهم مکتب ماتریدیه، کشور ترکیه بوده و این نظام فکری، ریشه در گذشته‌های دور باورهای مردم ترکیه و حکمرانان ترک‌تبار این سرزمین دارد. از زمان

پایه‌گذاری امپراتور عثمانی (۱۲۹۹م) توسط عثمان بن ارطغرل بن سلیمان شاه (م ۷۲۶ق)، مذهب کلامی ماتریدی به لحاظ اعتقادی به مکتب رسمی دولت عثمانی تبدیل شده و سلاطین ترک‌تبار، با جانب‌داری از مبانی فکری ماتریدی، در مناطق تحت حاکمیت خویش، به ترویج آن تلاش فراوان نموده‌اند (دینانی، بی‌تا: ص ۲۱۵). سلسله دولت‌های عثمانی که از نظر باورهای اعتقادی ماتریدی شمرده شده و طریقه حکمرانان سلجوقی را در باورها اعتقادی پیموده و در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی که در اوج اقتدار سیاسی به سربرده و به مدت شش سده، همه مناطق جنوب شرق اروپا، قفقاز و قسمت‌های وسیعی در شمال و شاخ آفریقا را زیر فرمان خود در آورده و در این نواحی وسیع حکمرانی داشته‌اند (رضایی، ۱۴۴۳: ج ۲، ص ۳۹۰-۳۹۴)، تفکرات ماتریدی را در قلمرو حکمرانی خویش، رواج دادند (جلالی، ۱۴۰۰: ص ۱۳۱).

در این مقطع از زمان نسبتاً طولانی، اندیشه ماتریدی در مناطق شرق و غرب جهان اسلام انتشار یافته و به اوج شکوفایی خود رسیده است (مادلونگ، ۱۳۵۷: ص ۳۸) و با ترویج اندیشه کلامی ماتریدی در مراکز دینی این کشور، همچون قونیه، بورسا در شبه جزیره آناتولی و...، اندیشمندان نامداری مانند محمد اکمل‌الدین بابرته (م ۷۸۶ق) (قُطْلُوبَغای حنفی، ۱۴۱۳: ص ۲۷۶)، محمد فرامرز، مشهور به ملاخسرو رومی (م ۸۸۵ق)، (اسماعیل بغدادی، ۱۹۵۱: ج ۲، ص ۲۱۱)، مصطفی بن محمد قسطلانی، معروف به کستلی (م ۹۰۱ق) (طاش‌کبری‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۸۷)، کمال‌الدین اسماعیل قرابانی رومی، مشهور به قره‌کمال (م ۹۲۰ق) (تمیمی‌داری، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۸۳) و کمال‌الدین احمد بن حسام‌الدین حسن معروف به بیاضی‌زاده (م ۱۰۹۷ق) (بغدادی، ۱۹۵۱: ج ۱، ص ۱۶۴)، در این نواحی تربیت یافته و به تثبیت آرای کلامی ماتریدی تلاش نموده‌اند. بدین ترتیب، در قلمرو حکومت عثمانی، اندیشه ماتریدی به رشد چشمگیری رسیده است؛ هرچند، نحله‌هایی دیگری نیز همچون اشاعره به صورت اقلیت مذهبی و اعتقادی، در این نواحی حضور داشته‌اند (شهرستانی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۶۴).

در عصر حاضر نیز کتابخانه‌های کشور ترکیه، مملو از مکتوبات خطی و کهن

اندیشمندان ماتریدی است (جلالی، ۱۴۰۰: ص ۱۳۳). این بخش از جهان اسلام و کشورهای همجوار آن همچون آلبانی، کوزوو، قبرس، کرواسی، مونته‌نگرو، مقدونیه، بوسنی و هرزگوین و بلغارستان، در گستره جغرافیایی ماتریدیه بوده و مسلمانان این مناطق، به منظومه اعتقادی ماتریدی التزام دارند (رضایی، ۱۴۴۳: ج ۲، ص ۳۹۱). براساس سرشماری در سال ۲۰۲۳م، جمعیت کشور ترکیه به بیش از ۸۵۳۷۲۰۰۰ (هشتاد و پنج میلیون و سیصد و هفتاد و دوهزار) نفر برآورد شده است (ر.ک: trt فارسی). ۹۷ درصد از این جمعیت را مسلمانان تشکیل داده‌اند و اکثریت آنان که حدود ۷۰ درصد مسلمانان است، از پیروان مکتب ماتریدیه شمرده می‌شوند (جلالی، ۱۴۰۰: ص ۱۳۳). نیز مسلمانان ساکن در کشورهای اوکراین، قبرس، آلبانی، بوسنی، صربستان، اسلوونی، استونی و...، به بیش از هفت میلیون نفر برآورد شده است که اکثریت آنان را حنفیان ماتریدی تشکیل می‌دهند (رضایی، ۱۴۴۳: ج ۲، ص ۴۹۷).

امروزه، اندیشمندان ماتریدی با نگارش آثار علمی و تدریس متون کلامی ماتریدی در سه مرکز مهم همچون شبه قاره هند با محوریت «دارالعلوم دیوبند»، مصر و مرکز علمی پرآوازه «الازهر» و ترکیه با محوریت سه کانون فکری همچون «سازمان دیانت»، «دانشکده الهیات» دانشگاه سلیمان دمیرل و «دانشگاه شرعیات» در بورسا، حضور فعال داشته و به ترویج و دفاع از مکتب ماتریدیه اشتغال دارند. عالمان این مکتب اعتقادی، افزون بر مراکز یادشده، در دیگر مناطق جهان نیز به تبلیغ اندیشه‌های ماتریدی تلاش می‌کنند. برجسته‌ترین اندیشمندان ماتریدی در عصر حاضر، عبارت‌اند از: مفتی محمد رفیع عثمانی (م ۱۴۰۱ق) مدیر دارالعلوم کراچی، مولانا محمد تقی عثمانی، محمد ابوزهره (م ۱۳۹۵ق)، محمد اختر رضاخان قادری بریلوی (م ۱۳۴۰ق)، محمد طاهر القادری (ت ۱۹۵۱م) محقق و سیاستمدار، دکتر فتح الله خلیف، مولانا محمد عبیدالله ایوبی قندهاری نقشبندی (م ۱۹۸۰م) و پرفسور بکیر توپال اوغلی (م ۲۰۱۶م) که از جمله شخصیت‌های تأثیرگذار ماتریدی امروز جهان اسلام شمرده می‌شوند. ایشان با تدوین آثار علمی، به دفاع از نظام فکری

ماتریدیه همت گماشته و مدیریت و نظام آموزشی بسیاری از مراکز علمی ماتریدیان را در سطح جهان بر عهده داشته و به ترویج باورهای ماتریدی در میان مردم و نسل جوان اهل سنت، اشتغال دارند (جلالی، ۱۴۰۰: ص ۱۳۴-۱۴۱).

گرایش‌های اعتقادی و فرهنگی ماتریدیان معاصر

اندیشمندان معاصر ماتریدی با وجود اعتقاد به مکتب ماتریدی، از گرایش‌های فکری، سیاسی و فرهنگی مختلفی برخوردارند. این گرایش‌های فکری با عنایت به مناطقی که در آن به سر می‌برند، متفاوت بوده که به بیان مهم‌ترین گرایش‌های فکری ماتریدیان، در سه محور اشاره می‌شود.

الف) گرایش صوفیانه ماتریدیان

آموزه‌های باطنی‌گری و تصوف، از جمله مباحث مطرح در حوزه تعالیم اسلامی بوده و شهرهای ماوراءالنهر همچون نسف، سمرقند و بخارا، از مهم‌ترین مراکز تصوف در سده سوم تا ششم هجری شمرده می‌شوند (حداد عادل، ۱۳۸۳: ج ۷، ص ۳۳۹۸). یکی از سلاسل صوفیانه در ماوراءالنهر، طریقت نقشبندیه است که به خواجه بهاءالدین نقشبند (م ۷۹۱ق) نسبت می‌برد، و سلسله نقشبندیه در گسترش تعالیم اسلام در کشورهای جزیره بالکان، نقش بسزایی داشته است (حامد الگار، ۱۴۴۰: ص ۱۴۴). اندیشمندان ماتریدی همچون حکیم سمرقندی (م ۳۴۲ق) دارای مثنوی صوفیانه بوده و از عقاید زاهدانه برخوردار بوده است (سلمی، ۱۴۱۹: ص ۱۷۸) و به عنوان حکیم اهل طریقت شهرت دارد (بجنوردی، ۱۳۷۹: ج ۶، ص ۲۴۷۷)؛ چنان‌که رگه‌های گرایش به تصوف، در آثار و اندیشه‌های شیخ ابومنصور ماتریدی نیز قابل اصطیاد است (جلالی، ۱۴۰۰: ص ۱۵۶).

امروزه نیز سلاسل مختلف صوفیانه همچون طریقت نقشبندیه، قادریه، چشتیه و مولویه (عطاالبراهیم راد، ۱۳۸۹: ص ۶۹-۷۹) در میان ماتریدیان متأخر، حضور فعال دارند. اندیشمندان ماتریدی به آداب رایج یکی از این طریقت‌های یادشده التزام دارند. دو طریقت نقشبندیه و چشتیه در میان ماتریدیان ساکن در ایران و اکثر ماتریدیان

پاکستان، افغانستان، بنگلادش و هند، جریان فکری رایج بوده و از پیروان بیشتری برخوردارند (طالبی، ۱۴۲۰: ج ۷، ص ۵۲۳).

ب) گرایش به حدیث در میان ماتریدیان

مکتب ماتریدی که مبتنی بر تنزیه بوده و دور از تشبیه است، عقل را به‌عنوان یکی از منابع استنباط احکام در مباحث فقهی و کلامی می‌داند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۶). ماتریدیان در تفسیر آموزه‌های کلامی، رویکرد عقل‌گرایانه داشته (ابن حجر مکی، بی‌تا: ص ۷۷) و متمرکز بر عدل‌گرایی شمرده می‌شوند (خواتی، ۱۳۸۸: ص ۲۶۶). اما از سده سه هجری به بعد، مکتب کلامی و عدل‌گرایی حنفی، به تدریج رو به افول رفته و تا حدودی به اندیشه اهل حدیث متمایل شده است؛ به گونه‌ای که با نفوذ صحیح بخاری در میان حنفیان ماتریدی، گرایش به نقل حدیث در میان آنان، به رویکرد غالب تبدیل شده است (محمدشریف، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۳۴۸).

گرایش فکری به حدیث در میان ماتریدیان حنفی، از سده دوازدهم با حدیث‌گرایی شاه ولی‌الله دهلوی (م ۱۰۵۲ق) آغاز شده است. دهلوی به‌عنوان متکلم، محدث و از شخصیت‌های اصلاح‌گر در میان جامعه ماتریدیان هند بوده و با تألیفات متعدد در موضوعات مختلف علوم اسلامی و به‌ویژه در حوزه علوم حدیث و با شعار بازگشت به نصوص دینی، نقش مهمی در گرایش به علوم حدیث ایفا نموده است (احمدناجی، بی‌تا: ص ۲۸۳). چنان‌که نذیر حسین دهلوی (م ۱۳۲۰ق) و نواب صدیق حسن خان بوپالی (م ۱۳۰۷ق) نیز که دو تن از محدثان نامدار شبه قاره شمرده می‌شوند، با نگارش آثار روایی، در گسترش علوم حدیث در این بخش از جهان اسلام، نقش بسزایی داشته‌اند (مقبول احمد، بی‌تا: ص ۳۲). گرایش به علوم حدیث در میان ماتریدیان حنفی شبه قاره، به تدریج راه یافته و به یک جریان غالب تبدیل گردیده است. محدثان همچون سهارنپوری (م ۱۳۴۶ق) (مرعشلی، ۱۴۲۷: ص ۴۱۱) و انورشاه کشمیری (م ۱۳۵۲ق) (عبدالباری، ۲۰۱۴: ص ۲۰) از این خطه از جهان اسلام ظهور نموده و برای

گسترش حدیث در میان ماتریدیان همت گماشته‌اند. ماتریدیان شبه قاره، در عین اینکه محدث بوده‌اند، به مبانی کلامی ماتریدی نیز التزام داشته و با تفکرات سفلی‌گری وهابیت، ناسازگار بوده و ضدیت دارند (جلالی، ۱۴۰۰: ص ۱۵۷).

ج) گرایش ضدسلفی‌گری وهابی

یکی دیگر از گرایش‌های مهم در میان ماتریدیان معاصر، مخالفت با سلفیان وهابی است. ماتریدی که تفکرات کلامی امام ابوحنیفه را در قالب یک مکتب کلامی تحریر نموده و با ساختار نوین برای حنفیان ارائه داده است، از همان آغاز تأسیس، از نظر مبانی اعتقادی با مکتب ظاهرگرایی در تقابل بوده است. امروزه نیز گرایش مخالفت با سلفی - گری، در میان ماتریدیان دیده می‌شود. عده‌ای از اندیشمندان این مذهب کلامی، با نگارش آثار علمی در رد عقاید وهابیت همت گماشته‌اند؛ چنان‌که مجاهدت‌های علمی محمد زاهد کوثری (م ۱۳۷۱ق) در کشورهای مصر و ترکیه در رد باورهای وهابیان قابل توجه بوده و کتاب مقالات الکوثری دلیل بر این گفته است. کوثری تفکرات سلفی‌گری را نقطه مقابل تعالیم اسلامی و گونه جدیدی از شرک توصیف نموده است و عالمان سلفی را با عناوینی همچون «بت‌پرستان» و «سران شرک و بت‌پرستی» معرفی نموده است (کوثری، بی‌تا: ص ۲۹۳). همچنین خلیل احمد سهارنپوری (م ۱۳۴۶ق) از دیگر اندیشمندان ماتریدی است که با نگارش کتاب المهند علی المفنند، با تفکرات وهابیت مخالفت ورزیده است. این اثر علمی مورد تأیید اندیشمندان مشهور ماتریدی در هند قرار گرفته است. عبدالرحمن سربازی (م ۱۳۸۵ق) نیز از عالمان معاصر ماتریده است. وی نیز در ابطال باورهای وهابیت سخن گفته است (سربازی، ۱۳۷۰: ج ۱، ص ۲). سید حسین احمد مدنی (۱۳۷۷ق) نیز از دیگر ماتریدیان بوده و با نگارش کتاب الشهاب الثاقب فی الرد علی المستشرق الکاذب، با عقاید سلفیان مخالفت ورزیده است.

فرقه بریلویه، از جریان‌های فکری معاصر در شبه قاره و دیگر مناطق جهان اسلام بوده و از زیرشاخه‌های مکتب ماتریدیه شمرده می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ص ۶۶۲) و در

تقابل فکری با وهابیت قرار دارد (حداد عادل، ۱۳۸۳: ج ۳، ص ۵۴۳-۶۴۳). بدین ترتیب، از مجموعه مباحث پیش‌گفته در حوزه گرایش‌های فکری اندیشمندان ماتریدیه، به دست آمد که ماتریدیان به اتفاق نظر، با تفکرات سلفی‌گری مخالف بوده، و این گرایش ضدیت و مبارزه فکری پیروان ماتریدی اعم از بریلویه و دیگران با وهابیان، ناشی از گرایش صوفیانه آنان بوده و ریشه در مبانی کلامی ابومنصور ماتریدی دارد.

نتیجه‌گیری

مکتب ماتریدیه یکی از جریان‌های فکری مهم در جهان اسلام است که در اوایل سده چهارم هجری ظهور نموده است. ابومنصور ماتریدی، با تأثیرپذیری از نظام فکری امام ابوحنیفه و بر اثر تبحری که در کلام اسلامی داشت، روش معتدلی را در تفسیر مباحث کلامی اتخاذ نموده و به منظور اصلاح نظام اعتقادی اهل سنت، یکی از مهم‌ترین مکاتب کلامی را با عنوان «ماتریدیه» پایه‌گذاری نموده است. شرح حال ابومنصور ماتریدی نشان می‌دهد که وی بر اثر وسعت دانش، از جایگاه علمی و معنوی والایی در میان عالمان روزگار خویش برخوردار بوده و در رشته‌های مختلف علوم اسلامی و به‌ویژه در علم کلام، آثار سترگ علمی نگاشته است. پیروانش او را با القابی همچون «امام اهل السنه» توصیف نموده‌اند. با جریان‌شناسی این مکتب کلامی این یافته به دست آمد که ابومنصور ماتریدی در تفسیر مباحث کلامی، دارای مبانی خاصی همچون حسن و قبح عقلی، تأویل و تفویض، عدم حجیت اخبار آحاد در گزاره‌های کلامی و وجود مجاز در قرآن بوده و اندیشه وی در بسیاری از آموزه‌های کلامی همچون تکلیف ما لایطاق و مختار بودن انسان، در تقابل با رویکرد اشعری قرار دارد. این جریان فکری پس از شکل‌گیری، دوره‌های مختلفی را سپری نموده و بر اثر برخورداری از پشتوانه سیاسی و فرهنگی، به اوج اقتدار فکری رسیده است. امروزه اکثریت نزدیک به اتفاق پیروان مکتب ماتریدیه را حنفیان تشکیل داده و در نواحی مختلف جهان اسلام همچون مناطق شرقی جهان اسلام، خاورمیانه و آفریقا و کشورهای منطقه بالکان با محوریت ترکیه حضور دارند. اندیشمندان ماتریدیه، افزون بر التزام به مبانی فکری ابومنصور ماتریدی، از گرایش‌های صوفیانه، حدیث‌گرایی و ضدسلفی نیز برخوردار بوده و رگه‌های گرایش به تصوف در آثار شخص ماتریدی نیز دیده می‌شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ۲. ابوزهرة، محمد (۱۳۸۴ ش). *تاریخ مذاهب اسلامی*، مترجم: علیرضا ایمانی، قم، مرکز مطالعات دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی.
- ۳. ابو عذبه، نورالدین حسن بن عبدالمحسن (۱۴۱۶ ق) الروضة البهية فيما بين الاشاعرة و الماتریدیة، تحقیق، محمد احمد عبدالعزيز، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۴. ابراهیم پور، علی (۱۳۹۹). «بررسی تحلیلی نظریه‌های مطرح در مفهوم‌شناسی جریان و جریان‌شناسی»، فصل‌نامه *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، قم، شماره ۱۶، ص ۱۳۴-۱۷۲.
- ۵. احمد هندی، عمر بن اسحاق (۲۰۰۹ م). *شرح عقیده الطحاوی*، چاپ اول، قاهره، داره الکرز.
- ۶. اشرفی، مرتضی (۱۳۹۱). *کشورشناسی ترکمنستان*، چاپ اول، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام.
- ۷. اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۱۴ ق). *الأبانة عن اصول الديانة*، چاپ اول، بیروت، دار النفائس.
- ۸. اقبال، محمد ظفر (۱۳۹۷). *اعتقاد به امام مهدی علیه السلام در اسلام*، مترجم: مولانا عبدالرحمن ملازی، چاپ اول، تربت جام، انتشارات امام محمد غزالی.
- ۹. امیرشاهی، ذوالفقار (۱۳۷۴). *کشور تونس*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۰. شریف یحی، امین (۱۳۸۷ ق). *فرهنگ‌نامه فرقه‌های اسلامی*، مترجم: محمدرضا موحدی، چاپ اول، تهران، انتشارات باز.
- ۱۱. بجنوردی، سید کاظم (۱۳۷۹ ش). *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، چاپ اول، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۲. بزدوی، علی بن محمد (۱۴۲۴ ق). *اصول الدین*، چاپ اول، قاهره، المكتبة الأزهرية.
- ۱۳. بسام، عبدالوهاب الجابی (۱۴۲۴ ق). *المسائل الخلافية بين الاشاعرة و الماتریدیة*، چاپ اول، بیروت، دار ابن حزم.
- ۱۴. بغدادی، اسماعیل پاشا (۱۹۵۱ م). *هدية العارفين و اسماء المؤمنين و آثار المصنفين*، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۵. بنگلادشی، محمد ابو سعید (۱۴۸۲). «ادیان و مذاهب در بنگلادش»، نشریه **طلوع**، شماره ۶، ص ۲۴-۴۵.
۱۶. بیاضی، کمال‌الدین (۱۳۶۸ ش). **اشارات المرام من عبارات الامام**، تحقیق، یوسف عبدالرزاق، چاپ اول، مصر، نشر شرکت المصطفی البانی.
۱۷. جلال، امام سید (۱۳۹۷). **تاریخ اسلام در چین**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۸. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). **وضعیت ژئوپولیتیک پنجاب در پاکستان**، چاپ اول، انتشارات بین‌المللی الهدی.
۱۹. الگار، حامد (۱۴۴۰). **نقشبندیه**، برگردان: داوود وفایی، چاپ اول، تهران، انتشارات مولی.
۲۰. رضایی، حسن (۱۴۴۳ ق). **آشنایی با جهان اسلام (وضعیت‌شناسی مسلمانان در مناطق مختلف جهان)**، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی المصطفی.
۲۱. حلبی، علی اصغر (۱۳۷۳). **تاریخ علم کلام در ایران و جهان**، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر.
۲۲. خطیب دمشق، محمد بن عبدالرحمن (بی‌تا). **الإيضاح فی علوم البلاغة**، چاپ سوم، بیروت، دارالجيل.
۲۳. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹). **جریان‌شناسی فکری ایران معاصر**، چاپ اول، قم، تعلیم و تربیت اسلامی.
۲۴. خواتی، محمد شفق (۱۳۸۸). **جایگاه اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه ابوحنیفه**، چاپ اول، کابل، مؤسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین.
۲۵. ربانی گلیپگانی، علی (۱۳۸۵). **فرق و مذهب کلامی**، چاپ اول، قم، نشر مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۶. زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ ق). **اتحاف السادة المتقين بشرح احياء علوم الدين**، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۷. ساروی شعبانی، رمضان (۱۳۸۹). **جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی ایران**، چاپ اول، قم، اعتدال.
۲۸. سبجانی، جعفر (۱۴۱۶ ق). **بحوث فی الملل والنحل**، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۹. سربازی، محمد عمر (۱۳۹۴). **عقاید اهل سنت و جماعت در رد وهابیت و بدعت**، چاپ اول، چابهار، مدرسه علمیه.

۳۰. سیوطی، عبدالرحمن (۱۳۸۷ق). *حسن المحاضرة فی تاریخ مصر و القاهرة*، چاپ اول، مصر، دار احیاء الکتب العربیه.
۳۱. شبلی نعمانی، محمد (۱۳۸۶). *تاریخ علم کلام*، مترجم: سید محمدتقی فخرداعی، چاپ - اول، تهران، نشر اساطیر.
۳۲. شریف، میان محمد (۱۳۶۲). *تاریخ فلسفه در اسلام*، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاهی.
۳۳. شمس سلفی الافغانی (۱۴۱۹ق). *الماتریدیة وموقفهم من توحید الاسماء والصفات*، چاپ دوم، طایف، مکتبه الصدیق.
۳۴. طاش کبری زاده، عصام الدین احمد (۱۳۸۹). *الشقائق النعمانیة فی علماء الدولة العثمانیه*، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۳۵. عبدالباری، مصطفی فضل الرحی (۲۰۱۴م). *ترجیحات الکشمیری و اختیارات الفقهیه من خلال جامع الترمذی فی کتاب الصلاة*، چاپ اول، مدینه، جامعه المدینه العلمیه.
۳۶. دینانی، غلامحسین (۱۳۸۳). «کلام ماتریدی»، مجله *کیهان فرهنگی*، قم، شماره ۲۱۰، ص ۲۱۵.
۳۷. عمید، حسن (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی عمید*، چاپ ششم، تهران، امیرکبیر.
۳۸. فیومی، محمد ابراهیم (۱۴۲۳ق). *شیخ اهل السنه و الجماعه ابو منصور ماتریدی*، چاپ - دوم، قاهره، دار الفكر العربی.
۳۹. کارل بروکمان (بی تا). *تاریخ الأدب العربی*، ترجمه: عبدالحکیم النجار، چاپ دوم، قم، دار الکتاب الاسلامی.
۴۰. کوثری، محمد زاهد (۱۴۱۴ق). *مقالات الکوثری*، قاهره، مکتبه الازهریه.
۴۱. لامشی، محمود بن زید (۱۹۹۵م). *التمهید لقواعد التوحید*، چاپ اول، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
۴۲. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶ق). *التوحید*، تحقیق: فتح الله خلیف، چاپ اول، مصر، دار الجامعات المصریه.
۴۳. ماتریدی، محمد بن محمود (۱۴۲۶ق). *تأویلات اهل السنه*، تحقیق: فاطمه یوسف الخیمی، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴۴. مادلونگ، ویلفرد (۱۳۵۷ق). *مکتبها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه*، چاپ اول، مشهد، آستان قدس.
۴۵. مدرس، محمد مجروس عبد اللطیف (۱۳۶۷ق). *مشایخ بلخ من الحنفیه*، چاپ اول، عراق، وزارت اوقاف عراق.

٤٦. مرعشلی، يوسف (١٤١٧ق). چاپ اول، الجواهر والدرر فی علماء القرن الرابع عشر، چاپ اول، بيروت، دار المعرفة.

٤٧. مغربی، علی عبدالفتاح (١٤٠٥ق). امام اهل السنة والجماعة ابو منصور الماتريدي وآرائه الكلامية، مصر، مكتبة وهبة.

٤٨. نسفی، میمون بن محمد (١٩٩٩م). تبصرة الادلة فی اصول الدين، چاپ اول، دمشق.

ضمیمه

جدول ۱: واحدهای ثبت مورد بررسی به تفکیک کتاب‌های مربوط در ذیل هر اثر

شماره‌ی واحد ثبت / فصل‌ها یا بخش‌های مربوط	کتاب / منبع
۱. فصل چهارم: سقوط استیلای خارجی و تأسیس دولت‌های مستقل افغانستان ۲. فصل پنجم: ورود عنصر ترک و نفوذ دولت ساسانی ۳. فصل هفتم: افغانستان از قرن نهم تا قرن سیزدهم میلادی ۴. فصل هشتم: اوضاع اجتماعی افغانستان از ظهور اسلام تا حمله‌ی چنگیز ۵. فصل دوازدهم: افغانستان از قرن هجدهم تا قرن بیستم	افغانستان در مسیر تاریخ (میرغلام محمد غبار)
۶. بنای اولیه‌ی بالاحصار ۷. از تماس اول عرب‌ها به کابل تا ظهور فتنه‌ی مغول ۸. موقعیت بالاحصار کابل و برخی ممیزات عمرانی و جغرافیایی و گردشگاه‌های اطراف آن ۹. همایون ۱۰. سفر چهارم شاه جهان به کابل	بالاحصار کابل و پیامدهای تاریخی، جلد اول (احمدعلی کهزاد)
۱۱. فصل دوم: آریا، کتله‌ی باختری هندو اروپایی، مدنیت ویدی ۱۲. فصل چهارم: سلطه‌ی بیگانه؛ هخامنشی‌ها ۱۳. فصل هفتم: پارت‌ها و اسکایی‌ها ۱۴. فصل نهم: صنعت گریکو بودیک ۱۵. فصل یازدهم: یفتلی‌ها	تاریخ افغانستان، جلد اول و دوم (احمدعلی کهزاد)
۱۶. فصل اول: موقف عرفانی جامی در پیوستگاه فلسفه و عرفان با ساینس ۱۷. فصل دوم: طریقت جامی ۱۸. فصل سوم: تجلی فکر جامی در سلمان و آبسال	اندیشه‌ی جامی (عبدالحی حبیبی)
۱۹. فصل اول: مشروطیت در آغاز ۲۰. فصل دوم: مشروطیت دوم	جنبش مشروطیت در افغانستان (عبدالحی حبیبی)
۲۱. مقدمات جنبش ابومسلم و تشکیل دولت عباسی ۲۲. خراسان پس از ابومسلم و دوام جنبش‌های ملی ۲۳. برمکیان بلخی ۲۴. جامعه و طبقات ۲۵. ابنیه و تعمیرات شهرها ۲۶. فرهنگ (فکر و علم و ادب) ۲۷. مذاهب و فرق	تاریخ افغانستان پس از اسلام (عبدالحی حبیبی)
۲۸. باب دوم: خراسان و مردم آن ۲۹. باب سوم: پشتون‌ها در روند تشکیل دولت ۳۰. باب پنجم: احمدشاه ابدالی و تشکیل امپراتوری ۳۱. باب هفتم: نفاق پسران شاه ۳۲. باب نهم: افغانستان و امپریالیزم - امیر دوست محمد و جنگ اول ۳۳. باب یازدهم: امیر عبدالرحمن - مستبد باکفایت ۳۴. باب سیزدهم: امان‌الله شاه - استقلال و اصلاحات ۳۵. باب پانزدهم: محمد نادرشاه - اعاده‌ی امنیت و نظام خانوادگی ۳۶. باب هفدهم: پادشاهی محمد ظاهرشاه؛ مرحله‌ی دوم - گامی به	افغانستان در پنج قرن اخیر (میرمحمد صدیق فرهنگ)

شماره‌ی واحد ثبت / فصل‌ها یا بخش‌های مربوط	کتاب / منبع
سوی مشروطیت	
۳۷. رویدادهای دوران امارت اول دوست محمد خان ۳۸. رویدادهای دوران امارت دوم دوست محمد خان ۳۹. وقایع مرتبط با سلطنت اول امیر شیرعلی خان ۴۰. جنگ دوم افغان انگلیس	افغانستان در قرن نوزدهم (محمد قاسم رشتیا)
۴۱. واقعات سال ۱۱۲۷ ۴۲. واقعات سال ۱۱۳۰ ۴۳. واقعات سال ۱۱۳۲ ۴۴. واقعات سال ۱۱۳۶ ۴۵. فصل دوم: افغان‌ها و تأسیس دولت	احمدشاه وارث و معجد... ع. وکیلی
۴۶. فصل اول: روابط خارجی و اعلان جنگ با افغانستان ۴۷. فصل سوم: قیام کابل ۴۸. فصل پنجم: قیام عمومی دسمبر ۴۹. فصل هفتم: دوام و گسترش مبارزه و جلوس امیر عبدالرحمن	جنگ دوم افغان انگلیس (محمدحسن کاکر)
۵۰. بخش اول: اشکال مین‌داری	مالکیت ارضی و جنبش‌های ... (اعظم سیستانی)
۵۱. پیدایش تشیع در افغانستان ۵۲. ظهور سلسله‌های محلی ۵۳. طوایف هزاره پیش از چنگیز ۵۴. دای‌ها ۵۵. حاکمان مغلی افغانستان	پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها (حسینعلی یزدانی)